

ندیده‌ام بلکه برخی محاسبات مقدماتی اینجانب نشان می‌دهد که در طولانی مدت برخی کشت‌ها بر اغلب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی فعلی انرژی‌بر، با دید صرفه‌جویی در مصرف آب، ارجحیت دارد. حتی با آب مجانی هم برخی صنایع مورد حمایت دولت بدون دریافت پارانهای مخفی، قابل رقابت در صحنه جهانی نیستند.

شما به معیارهای گوناگون بهره‌وری آب اشاره کردید. چگونه باید معیار واحد را انتخاب کرد؟

انتخاب معیار بستگی به دیدگاه بلندمدت حاکمان سیاسی کشور دارد. به طور مثال اگر سیاسیون مهمترین لازمه بقاء و امنیت کشور را در مقطعی تولید و وسایل نقلیه و ابزار جنگی اعم از تانک و توپ و پل‌های متحرک و غیره در داخل کشور بدانند، در آن صورت دیگر معیارهای بهره‌وری اقتصادی آب بی‌معناست. اما می‌توان نسبت به مکان‌یابی این صنایع و کارخانه‌های فولاد که باید پشتیبان این صنایع باشند در مجاورت دریای جنوب یا شمال کشور ادعای ارجحیت کرد. از سوی دیگر مثلاً معاون وزیر جهاد کشاورزی جناب آقای عباس کشاورز خود کفایی در تولید مواد اصلی غذایی را یک مسئله حاد امنیت ملی تلقی و گفته‌اند "باید دید در مقابل مصرف یک متر مکعب آب چه میزان ماده خشک غذایی تولید می‌شود." می‌دانیم در شرایط مطلوب در ایران با مصرف یک متر مکعب آب ۸۰ گرم مغز پسته و ۶۵۰ گرم گندم تولید می‌شود. با این معیار که "معیار خودکفایی غذایی" نامیده می‌شود کشت گندم به پسته بیش از هشت برابر ارجحیت دارد.

اما عیب بزرگ این معیار این است که درآمد گندم کار را نسبت به باغدار پسته، اگر هر دو مقدار آب مساوی داشته باشند، به یک هفتم کاهش می‌دهد. در طولانی مدت نمی‌توان کشاورز گندم کار را به این میزان از ایثار و ریاضت واداشت.

اما چنانچه سیاسیون، توسعه کشور را در چهارچوب رقابت سالم اقتصادی ببینند، آنگاه دو معیار اقتصادی در زمینه بهره‌وری آب جایگزین "معیار خودکفایی غذایی" جناب آقای عباس کشاورز می‌شود.

نخست معیار ارزش‌آوری را توضیح می‌دهم. این معیار بیانگر ارزش فوب خلیج فارس کالای تولید شده در مزارع و کارخانه‌ها به ازاء مصرف یک متر مکعب آب است. جهت شفاف‌تر شدن موضوع

برای خوانندگان محترم سه کالای کشاورزی را با این معیار مقایسه می‌کنم. **کشت گندم:** متوسط قیمت گندم تحویل روی کشتی در خلیج فارس هر تن ۲۵۰ دلار است. با توجه به آنکه در کشت آبی با مصرف یک متر مکعب آب ششصد و پنجاه گرم گندم تولید می‌شود، اندکی محاسبه نشان می‌دهد که در ازاء مصرف هر متر مکعب آب در کشت گندم، ۱۷ سنت (cent) به دست می‌آید. **کشت پسته:** متوسط قیمت پسته خشک در پوست سخت تحویل روی کشتی در خلیج فارس هر تن ۸۰۰ دلار است. با توجه به آنکه با مصرف یک متر مکعب آب ۱۵۰ گرم پسته تولید می‌شود، اندکی محاسبه نشان می‌دهد که در ازاء مصرف هر متر مکعب آب ارزش‌آوری آن ۱۲۰ سنت است. اما از آنجا که یک پنجم نخست عمر مفید درخت پسته بدون ثمردهی است، باید از عدد فوق ۲۰ سنت بابت هزینه آب دوران رشد اولیه درخت کنار گذاشت. به طور خلاصه در ازاء هر متر مکعب آب ارزش‌آوری پسته ۱۰۰ سنت خواهد بود.

کشت هندوانه: حداقل قیمت هر تن هندوانه تحویل روی کشتی در خلیج فارس ۳۴۰ دلار است. با توجه به آنکه در کشت آبی با مصرف یک متر مکعب آب دو ونیم کیلوگرم هندوانه تولید می‌شود، اندکی محاسبه نشان می‌دهد که در ازاء مصرف هر متر مکعب آب ارزش‌آوری آن ۸۵ سنت است.

می‌بینیم با این معیار کشت پسته در مقابل مصرف هر متر مکعب آب تقریباً ۶ برابر ارجح‌تر از کشت گندم و کشت هندوانه ۵ برابر بر کشت گندم ارجحیت دارد. این معیار نشان می‌دهد که اگر به جای مصرف ۲۰ میلیارد متر مکعب آب در سال که برای خودکفایی در تولید گندم (به میزان ۱۳ میلیون تن در سال) نیاز هست، تمام گندم مورد نیاز را از خارج وارد کنیم و هم ارزش آن هندوانه روی کشتی

تحویل دهیم، تولید این مقدار هندوانه به کمتر از چهار میلیارد متر مکعب آب نیاز دارد. یعنی کشت گندم به جای هندوانه با ارزش تولیدی مساوی مصرف آب را پنج برابر می‌کند!

اعدادی که در این مقایسه در مورد میزان آب مصرفی کشت هندوانه به کار رفته است از گفته‌های کارشناسان و مسئولان در گزارش خبری از وب سایت "اتاق خبر ۲۴" مورخ دوازدهم تیر ماه ۹۴ برداشت شده است. در همان گزارش وزرای جهاد کشاورزی و نیرو کشت هندوانه را به خاطر مصرف بی‌رویه آب مذموم دانسته و وزیر جهاد کشاورزی فرموده‌اند: "ترجیح می‌دهیم محصولاتی در کشور تولید شوند که دارای مزایای نسبی، ارزش افزوده (بیشتر) و کمترین نیاز به آب باشند." اگر آن وزیر محترم حاضر به استفاده فقط چهار عمل اصلی حساب دیستانی بودند متوجه می‌شدند از دیدگاه مورد نظر ایشان، یعنی صرفه جویی در آب و تولید ارزش افزوده، این کشت هندوانه است که به کشت گندم ارجحیت دارد.

چطور ممکن است چنین مطلب ظاهرأ واضحی از چشم مسئولان دولتی پوشیده مانده باشد؟

حقیر هم سال‌هاست در این مسئله حیرانم. چگونه می‌توان برنامه‌ریزی بدون استفاده از ریاضیات دیستانی کرد و همچنان در مقام مسئولیت پاسداری از منابع و ذخائر ارزشمند کشور و نظارت بر استفاده بهینه از آن باقی ماند. شاید از شدت سختگیری این داوری بتوان کاست هنگامی که بدانیم سنجش واقعی مصرف بهینه آب در تولید کالا پیچیدگی‌هایی بیش از چهار عمل اصلی داشته و برآورد صحیح آن در شرایط اقتصادی دستوری بسیار سخت بوده و بعید است در زمان حاکمیت اقتصاد دستوری اهمیت لازم را در دیدگاه مسئولان داشته باشد.

در واقع این معیار سنجش به خاطر سهولت مقایسه مورد توجه کارشناسان اقتصادی است. اما باید توجه کرد در این معیار به هزینه‌های تولید کالای مورد مقایسه توجه نشده و فقط فروش دلاری کالا روی کشتی، معیار ارزش‌گذاری آب قرار می‌گیرد. با این وجود زمانی که فقط بحث مقایسه مصرف بهینه آب در تولید کالاهای کشاورزی در میان باشد به خاطر تشابه سایر هزینه‌ها در این بخش، این معیار به طور نسبی پاسخگو بوده و نباید از آن چشم پوشید. این معیار در شرایط فعلی برای مقایسه بهره‌وری

آب بین بخش کشاورزی و صنعت کارایی ندارد.

شما اشاره کردید دو معیار اقتصادی بهره‌وری آب قابل طرح است. پس معیار دوم چیست؟

داشتم به همین نکته می‌رسیدیم. دومین معیار اقتصادی برای مقایسه بهره‌وری آب در تولید عموم کالاها اعم از صنعتی و کشاورزی، "معیار ارزش جغرافیایی آب" است. نخست توجه کنیم که ارزش بازاری آب در اقلیم‌ها و حوضه‌های آبی متفاوت می‌تواند دامنه بسیار وسیعی داشته باشد. مثلاً با آنکه قیمت بازاری آب کشاورزی در کشور اوکراین تقریباً صفر است و بر روی آن معامله‌ای انجام نمی‌شود در ناحیه‌ای مثل شهرستان انار قیمت بازاری آب خام در فصل تابستان به ۲۰۰۰ تومان هر متر مکعب می‌رسد.

معیار ارزش جغرافیایی آب را می‌توان بدین گونه تشریح کرد:

اگر ارزش فوب یک واحد وزنی کالای تولید شده در یک منطقه از یک کشور را در نظر گرفته و کلیه هزینه‌های تولید و حمل و نقل آن میزان کالا تا بندر به جز هزینه آب را از آن کم کنیم، مانده عددی است که ارزش یک متر مکعب آب را در تولید آن کالا در آن منطقه معین می‌کند.

به ظاهر این محاسبه نباید مشکل چندانی ایجاد کند و در واقع در کشورهایی که اقتصاد بازار حاکم است به سهولت می‌توان به این عدد دست یافت. اما متأسفانه در ایران در چهل و سه سال گذشته اقتصاد دستوری حاکم بوده و هزینه‌های تولید و نرخ ارز به هیچ‌وجه شفاف نبوده و تحت تأثیر تغییر دولت‌ها می‌توانند تا ده‌ها برابر زیر و رو شوند.

هر گونه محاسبه بهره‌وری آب باید با شفافیت، معیار مورد استفاده را مشخص نماید. گفتنی است که محاسبات به دست آمده در زمینه بهره‌وری بر حسب معیار انتخابی، نتایج متفاوت و اغلب متناقض ایجاد خواهد کرد

